

از منابع آلمانی
برگردان : سلیمان افتخار
16.08.2013

درگیریهای جدید در تونس



نه تنها در مصر بلکه در تونس هم در گیریها بخاطر راهی که دونیم سال پیش با سقوط دیکتاتوری بن علی «انقلاب یاسمنی» آغاز نهاده بود ادامه دارد. علت راه اندازی تظاهرات اخیر علیه حکومت انتصابی اکتوبر ۲۰۱۱ که در آن نقش حزب اسلامی النهاده مسلط است با قتل سیاستمدار برجسته جناح مخالف محمد براهمی بتاريخ ۲۵ جون است. وی دومین قربانی در ظرف شش ماه اخیر بود. قتل براهمی با اوصاف یک سیاستمدار و «ناصریست» شناخته شده دقیقاً شش ماه پس از قتل شکری بالعیید منشی عمومی "جنبش وطن پرستان دموکرات" صورت پذیرفت و جالب اینست که قتل با عین شیوه و عین تفنگچه ۹ ملی متری انجام داده شده است. یک آدمکش حرفوی سوار بر موتر سایکل با فیر ۱۴ گلوله وی را در مقابل منزل رهایشی اش به قتل رسانید. براهمی همانند بالعیید همراه با کمونیستهای «حزب کارگران» و تعدادی از گروههای کوچک سوسیالیستی و چپ دموکراتیک متعلق به «جبهه خلق» بود.

مراسم خاکسپاری براهمی بتاريخ ۲۷ جولای به مظاهره توده یی مبدل گردید. بعد از مراسم خاکسپاری شرکت کننده ها به اتفاق هم جانب مقر شورای ملی و شورای قانون اساسی در میدان باردو راه پیمایی کردند تا استعفای حکومت و انتخابات جدید را مطالبه نمایند. پولیس سعی ورزید تا صفوف راه پیمایان و تحصن چندین هزار تظاهر کننده را در مقابل پارلمان با

استفاده گسترده از گاز اشک آور از هم متلاشی سازد. دو روز پس از آن بتاريخ ۲۹ جولای اعتصاب عمومی سراسری کنفدراسیون اتحادیه های کارگری تونس* راه اندازی شد. یک هفته بعد بتاريخ ۶ اگست نیروهای اپوزیسیون تظاهرات بزرگتری را با بیش از ۴۰۰۰۰ شرکت کننده (به گفته پولیس) در همان محل سازماندهی کردند.

مسئولیت قتل ها بدوش حزب حاکم اسلامی النهاد گذاشته میشود زیرا آنها برخلاف مطالبات تعداد زیادی از دموکراتها در برابر گروه های افراطی و تروریست سلفیست ها چون «انصارالشریعه» که قتل ها را سفارش و انجام داده اند به هیچگونه اقدامی متوسل نگردیدند. بر خلاف توقع «النهاد» در همکاری آشکار و نیمه آشکار با این گروه ها تلاش دارد تا جامعه تونس را بسوی "اسلامیزم" سوق دهد. اندکی پیش از قتل های اخیر برخی از فعالان این گروه ها با وجودی که به صفت تروریست محکوم و با استفاده از عفو عمومی سال ۲۰۱۱ از باستیل رها شده بودند حتی به پست های بالایی دولت انتصاب گردیدند.

در همه حال اپوزیسیون چپ درین برخورد ها فقط یکی از موانع متعدد را در موجودیت و عدم توانایی حکومت پس از انقلاب یاسمنی که پروسه های عبور دموکراتیک را ممانعت میکند، می بیند. ضعف حکومت در عرصه های اقتصادی- اجتماعی که بیانگر مرحله دیرپای رکود اقتصادی است و همچنان گسترش بیش از حد بیکاری و بالا گرفتن تورم پولی موانع مشهود دیگری درین راستا میباشند. پس از دو نیم سال، وضع اقتصادی- اجتماعی بدتر از وضع پیش از انقلاب بوده و هنوز هم فرسخها از آرزومندی های مردم در زمینه بهبود وضع اجتماعی فاصله دارد.

در همه حال النهاد ماهرانه تر از اخوان مرسی در مصر در پاسخ به بالا گرفتن سریع جنبش مردمی از دیدگاه تاکتیکی انعطاف پذیرانه برخورد میکند. نخست از همه لاراعیید رئیس حکومت النهاد تحت فشار جنبش اپوزیسیون آمادگی برای "دیالوگ" و حتی تمایل به تشکیل "دولت وحدت ملی" را با مشارکت نماینده های اپوزیسیون اعلام میدارد. در عین زمان وی انتخابات جدید را برای سال روان بتاريخ ۱۷ دسامبر پیشکش میکند. و اما در عین حال تذکر میدهد که وی میخواهد بدون قید و شرط تا همان روز در رأس اداره حکومت باقی بماند و مطالبات مبنی بر کناره گیری از حکومت را جداً رد مینماید.

این امر را گروه های معتبر اپوزیسیون چپ در هر صورت مانوری برای فرصت طلبی و چسپیدن به قدرت به بررسی میگیرند. آنان بجای تغییرات در کابینه خواستار استعفای کامل حکومت حاضر و تشکیل یک حکومت کاملاً جدید متشکل از "افراد با صلاحیت مسلکی" را به رهبری نخست وزیر "مستقل" مینمایند. بخشی از اپوزیسیون ازین هم فراتر میروند و خواستار

الغای "شورای قانون اساسی" هستند که بتاريخ ۲۳ اکتوبر ۲۰۱۱ انتخاب شده است زیرا این ارگان در مدت زمان یک سالی که برایش غرض تدوین قانون اساسی جدید در نظر گرفته شده بود نه تنها نتوانست موفق به آن گردد بلکه مانع تدقیق بر آن بنابر موضعگیری انعطاف نا پذیرانهٔ نهاد گردید. درین میان قریب به ۷۰% نماینده ها اعلام داشتند که آنان حاضر به همکاری بیشتر با این شورا نیستند و خود صفوف تظاهر کننده ها را با تحصن نامعلومی در برابر ساختمان پارلمان همراهی میکنند. از آنجاییکه حضور حداقل دو سوم مجموع ۲۱۷ نماینده اصل نصاب تعیین شده را میرساند تا شورا بتواند تصمیم اتخاذ کند بعید به نظر میرسد که این شورا و پارلمان بتوانند وظایف شان را به پایان رسانند.

با در نظر داشت این مطلب که تقاضای انحلال پارلمان و برگزاری هرچه زودتر انتخابات جدید مورد تأیید همه نیرو های اپوزیسیون و رهبری کنفدراسیون اتحادیه های کارگری تونس* نیست ولی آنان تقاضای شان را منحصر به استعفای حکومت میسازند. درین میان از هفتهٔ پیش بدینسو مذاکرات در «همه استقامت ها» در بارهٔ «حل معقول بحران» در جریان است. رئیس جمهور مرزوقی با رهبران احزاب اپوزیسیون مذاکره کرد در حالیکه نخست وزیر لاراعیید نخبه گان اتحادیه های کارگری را به ملاقات نشست. بن جعفر رئیس پارلمان که به صفوف سوسیال دموکرات ها نسبت داده میشود عدم شرکتش را در جلسات بعدی شورای قانون اساسی تا زمانیکه «دیالوگ میان اسلامیت ها و اپوزیسیون» مبنی بر پایان یافتن تحریم ها حصول نشود به تعویق انداخت.

طوریکه درین اواخر دیده میشود روز های حاکمیت حکومت نهاد با ترکیب کنونی اش به پایان خود نزدیک است. «جبههٔ ملی نجات» که اتحاد اپوزیسیونی احزاب بورژوازی و اکثریت احزاب چپ است روز شنبهٔ گذشته اعلام داشت که در جریان همین هفته پیشنهاد خودی را در زمینهٔ توظیف حکومت جدید به رهبری فرد «مستقل» پیشکش خواهد کرد. ولی در عین زمان برای روز شنبهٔ بعدی مؤرخ ۱۷ اگست تظاهرات بزرگ و جدید اپوزیسیون اعلان شده است.

UGTT*